

دکتر عباس سعیدی

گروه جغرافیا، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مصطفی طالشی

گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور

ناپایداری سکونتگاههای کوچک کوهستانی ناحیه آلاداغ در شمال خراسان

چکیده

با بررسی نحوه استقرار سکونتگاههای روستایی کشور، مشخص می‌شود که بیش از ۴۷ درصد (۳۲۱۴۷ واحد) از این مناطق موقعیت کوهستانی دارند. این ویژگی با وسعت ناچیز این گونه آبادیها همراه شده است، چرا که بیش از ۸۵ درصد (۲۷۳۸۵ واحد) از آنها جمعیتی کمتر از صد خانوار دارند. به این ترتیب، با روستاهای کوچک کوهستانی روبرو هستیم، که به دلیل محدودیتها و پراکنندگی منابع آب و خاک، در ارتفاعات سرزمین به صورت نقطه ای استقرار یافته اند. البته این گونه سکونتگاهها، علی‌رغم محدودیتها، به نوبه خود، پیوسته نقش عملکردی منحصر به فردی در تثبیت جمعیت و بهره‌برداری از منابع محدود بر عهده داشته اند. با وجود تحولات همه جانبه دهه های اخیر، بسیاری از سکونتگاههای کوچک کوهستانی به دلایل مختلف در معرض ناپایداری و حتی نابودی قرار گرفته اند.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که تخریب منابع تجدید شونده در سکونتگاههای کوچک کوهستانی طی دو دهه گذشته به صورت افسار گسیخته‌ای شدت یافته است. از این رو برای تداوم بخشی به نقش عملکردی سکونتگاههای کوهستانی و پایداری فضایی آنها در عرصه های خرد و کلان بایستی پیش از هر چیز نگرشها و راهبردهای توسعه در سطح ملی و منطقه‌ای مجدداً مورد ارزشیابی و تجدیدنظر قرار گیرد، همچنین فعالیتهای متنوع تولیدی در سطح محلی و ناحیه‌ای حمایت و ترغیب شوند. آنچه که می‌تواند به این مهم دامن زند، فعالیت مشارکت جوینان روستائیان در قالب تشکلهای محلی - مردمی است

که بایستی به صورت فراگیر ترویج و گسترش یابد.

کلمات کلیدی: ناپایداری، سکونتگاه‌های کوچک کوهستانی، سازمان غیر دولتی، فقر، توسعه پایدار روستایی، ناحیه آلاداغ، (شمال خراسان).

درآمد

در دهه‌های اخیر، به لحاظ اهمیت محیط کوهستان، تلاش‌های فراوانی از طریق مجامع بین المللی در خصوص حفاظت از منابع طبیعی در این اکوسیستم‌های آسیب پذیر صورت پذیرفته است. از این رو اندیشمندان و متخصصان برنامه‌ریزی، به ویژه علوم مرتبط با منابع طبیعی و محیط زیست، نیز در سال‌های اخیر به مطالعات ارزشمندی در کشورمان پرداخته‌اند.

در این راستا به لحاظ شرایط اکولوژیکی محیط‌های کوهستانی در کشور، همواره شاهد استقرار سکونتگاه‌های کوچک هستیم که به دلیل عدم شناخت چگونگی استقرار و بی توجهی به نقش و عملکرد این گونه از سکونتگاه‌های روستایی در نظام سلسله مراتبی سکونتگاهی، همواره شاهد ناپایداری سکونتگاه‌های کوچک می‌باشیم.

از این رو مقاله حاضر می‌کوشد تا به نوعی اهمیت و ضرورت نگرش به محیط‌های کوهستانی، چگونگی استقرار و پراکنش سکونتگاه‌های روستایی در ناحیه آلاداغ (شمال خراسان) و به ویژه شرایط ناپایداری این قبیل سکونتگاه‌های روستایی را به کمک تحلیل سیستمی مورد کنکاش و بررسی قرار دهد.

طرح مسأله و ضرورت پژوهش

مفهوم پایداری یا ناپایداری، ریشه در دامنه و شکل روابط و تعامل گروه‌های اجتماعی با محیط طبیعی خود دارد. بر این اساس، توسعه پایدار مفهومی کاملاً جدید به شمار نمی‌رود، بلکه شاید بتوان گفت این معنا از گذشته، هر چند با ابعاد و مفهومی متفاوت، مطرح بوده است، چنان که گروه‌های اجتماعی ساکن در نواحی مختلف پیوسته از طریق نوعی مدیریت محیطی، در پی سازگاری مناسب خویش با شرایط محیطی و اکولوژیک پیرامونی بوده‌اند (بارو، ۱۹۹۵: ۴۸). در پی روند توسعه بی‌رویه و افسار گسیخته در کشورهای شمال و نابودی منابع زیست محیطی و از سویی منابع تجدید شونده و دقیقاً قبل از ۱۹۶۰، ملاحظات زیست محیطی در

امر توسعه به صورت رسمی مطرح گردید و به دنبال آن در کنفرانس بیوسفروبیونسکو، کنفرانس بین‌المللی جنبه‌های اکولوژیکی توسعه^۲ و سرانجام کنفرانس محیط انسانی^۳ به شدت مورد استقبال جهانیان قرار گرفت. با انتشار گزارشهای باشگاه رم و بنیاد هامرشولد بر محدودیتهای رشد و همچنین تشکیل اتحادیه بین‌المللی حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی^۴ و طرح شعار «دستیابی به توسعه پایدار از طریق حفظ منابع حیاتی» مورد توجه جدی و اساسی اندیشمندان و متفکران بحث توسعه قرار گرفت. همزمان با این رخدادهای جهانی و انتشار گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۵ موسوم به گزارش (برانت ۸۷) و چاپ کتاب «آینده مشترک ما»^۶ یکسری دستورالعملها و سفارشهای جدی برای توسعه پایدار مورد توجه قرار گرفت. البته این موارد در کنفرانسهای بعدی نظیر اجلاس زمین (۱۹۹۲) در ریودوژانیرو که بازتاب آن در تدوین دستور کار ۲۱^۷، به صورت منشور اساسی توسعه پایدار مورد قبول کلیه کشورهای عضو^(۱) اجلاس قرار گرفت. (Hanley, ۲۰۰۱: ۲۸) در ضمن این منشور در کنفرانس ژوهانسبورگ نیز مجدداً مورد تأکید قرار گرفته است (گزارش یون دی پی، ۲۰۰۲: ۴۶۱).

بدین ترتیب با بررسی در ادبیات روند پیشرفت در کشورهای توسعه یافته، اصولاً به دلیل بهره برداری بی‌رویه از منابع زیست محیطی و همچنین تبعات ناشی از رشد، معنای پایداری بسیار متفاوت از کشورهای در حال توسعه وجود دارد، زیرا اصولاً در کشورهای در حال توسعه فرآیند انباشتگی ناشی از رشد توسعه و تخریب زیست محیطی به معنای گسترده آن هنوز تحقق نیافته است. آنچه در این کشورها ناپایداری را تشدید می‌نماید ناشی از نابرابریهای مکانی - فضایی بین نظام سکونتگاهی (شهر و روستا) وجود فقر آشکار و پنهان توزیع ناعادلانه ثروت و درآمد مهاجرت بی‌رویه و افسار گسیخته از نواحی روستایی به شهرها و بلایای طبیعی ناشی از سیل زلزله و تخریب منابع طبیعی و تجدید شونده می‌باشد (سعیدی، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

۱. paris-۶۸

۲. wasgaton-۶۸

۳. stockholm۷۲

۴. Iucn۸۲

۵. WCED

۶. our common future- WCED

۷. AGENDA۲۱

۸. JOHANNESBURG ۲۰۰۲

با این پیش فرض و با نگاهی نظم یافته به فضای جغرافیایی ایران، نخستین ویژگی اساسی جغرافیای طبیعی ایران، کوهستانی بودن آن است (رهنمایی، ۱۳۷۰: ۱۰) و میانگین ارتفاع آن به طور متوسط ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ متر (اهلرس، ۱۳۷۲: ۳۳) برآورد می‌شود. این ویژگی در مقایسه با سایر کشورهای جهان دارای موقعیت بسیار نادر می‌باشد.

از این رو نگاهی به ویژگیهای سکونتگاههای روستایی کوهستانی کشور بسیار با اهمیت است. برای دستیابی به جایگاه اهمیت و نقش سکونتگاههای کوهستانی در نظام سکونتگاههای روستایی کشور، بررسیهای اخیر نشان می‌دهد که بیش از ۴۷ درصد از سکونتگاههای روستایی (۳۲۱۴۷ سکونتگاههای کوهستانی) بر اساس سنجه مرکز آمار ایران از نظر نحوه استقرار سکونتگاه، کوهستانی و کوهپایه‌ای محسوب می‌شوند، در حالی که فقط ۴۳ درصد از سکونتگاههای روستایی اختصاص به سکونتگاههای روستایی جلگه‌ای و دشتی دارد. از نظر میزان جمعیت نیز در سکونتگاههای کوهستانی بیش از ۳۸ درصد جمعیت روستایی کشور در این سکونتگاهها اسکان دارند. شاخص تعداد بهره‌برداران کشاورزی در این سکونتگاهها نیز همواره نشان می‌دهد که بیش از ۴۲ درصد از کل بهره‌برداران در این سکونتگاهها به فعالیت کشاورزی مشغول‌اند (سرشماری کشاورزی، ۱۳۷۲).

یکی دیگر از ویژگیهای سکونتگاههای روستایی کشور، کوچکی (از نظر تعداد جمعیت) و پراکندگی آنها است. بر اساس بررسی‌های انجام شده تعداد کل سکونتگاههای روستایی کمتر از صد خانوار کشور در سال ۱۳۷۵ بیش از ۸۳ درصد می‌باشد. در حالی که این درصد در بین سکونتگاههای کوهستانی ارقام بیشتری را نشان می‌دهند، زیرا در سال ۱۳۷۵ بیش از ۸۵ درصد سکونتگاههای کوهستانی در گروه جمعیتی کمتر از صد خانوار تمرکز یافته‌اند. از این رو با توجه به اهمیت، این سکونتگاهها (هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ نقش عملکردی) در بهره‌گیری از منابع آب و خاک محدود و پراکنده، همواره ناپایداری این سکونتگاهها به دلیل تخریب منابع تجدید شونده و برنامه‌ریزیهای رسمی کشور، مورد تهدید جدی قرار گرفته است. به طوری که براساس آمار و اطلاعات موجود، تعداد سکونتگاههای روستایی کوچک در سال ۱۳۶۵ برابر با ۴۳ درصد بوده (سعیدی، ۱۳۷۵: ۷۳)، در حالی که در سال ۱۳۷۵ این رقم به ۳۲/۶ درصد کاهش یافته است. در واقع این دلیلی بر روند فروپاشی سکونتگاههای کوچک روستایی به شمار می‌رود. بنابراین سؤالات و فرضیه‌هایی برای تبیین چگونگی علل ناپایداری سکونتگاههای کوهستانی کوچک قابل طرح و ارزشیابی خواهد بود که:

الف) عوامل تأثیرگذار بر ناپایداری سکونتگاههای کوهستانی در کدامیک از ابعاد اکولوژیکی و اجتماعی - اقتصادی و فضایی قابل تصور می‌باشد؟

ب) آیا به دنبال سیاستگذاری و اجرای برنامه‌ریزیهای رسمی کشور و منطقه در دهه اخیر، سکونتگاههای کوهستانی به سمت ناپایداری توسعه روستایی سوق یافته‌اند؟

پ) ابعاد، فرآیندها و اصول توسعه پایدار روستایی تا چه حد می‌تواند در گرایش از ناپایداری به سمت پایداری سکونتگاههای کوهستانی مؤثر و مفید باشد؟

بنابراین با توجه به پرسشهای تحقیق، فرضیات زیر قابل سنجش و ارزشیابی خواهد بود:

۱. ناپایداری سکونتگاههای کوچک کوهستانی در چارچوب روند کنونی نظام بهره‌برداری از منابع طبیعی (تجدید شونده) تشدید خواهد شد؟

۲. رویکرد رسمی در برنامه‌ریزی فضایی سرزمین و روند ترغیب شهرگرایی، موجب فروپاشی سکونتگاههای کوچک کوهستانی شده است؟

۳. آرایش بهینه مکانی - فضایی سکونتگاههای کوهستانی با تأکید بر ابعاد توسعه پایدار (توسعه پایدار روستایی) می‌تواند موجب پایداری این گونه سکونتگاههای روستایی گردد.

موقعیت ناحیه

موقعیت ناحیه آلاداغ به گونه‌ای است که قسمت اصلی آن بخش مرکزی شهرستان بجنورد را در برمی‌گیرد. این محدوده مورد مطالعه از نظر موقع ریاضی در حد فاصل ۳۷ درجه و ۱۵ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۳۹ دقیقه عرض شمالی و ۵۶ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۵۷ درجه و ۳۵ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. شهرستان بجنورد (در شمال غربی استان خراسان) از شمال با کشور ترکمنستان به طول ۱۶۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. از شرق به شهرستان شیروان، از جنوب به شهرستانهای اسفراین، سبزوار، از غرب به شهرستانهای گنبد کاووس (استان گلستان) و شاهرود (استان سمنان) محدود می‌شود. در همین ارتباط فاصله شهر بجنورد تا مرکز استان برابر با ۲۴۴ کیلومتر می‌باشد.

ناپایداری/پایداری سکونتگاههای روستایی از لحاظ عوامل محیط طبیعی

ناپایداری در سکونتگاههای کوچک از نظر محیطی - اکولوژیکی براساس عوامل زمین ساختی (به ویژه زمین لغزش و زلزله)، منابع آب، قابلیت اراضی (به ویژه فرسایش خاک) و پوشش گیاهی (تخریب مرتع) در ناحیه آلاداغ مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. نتایج آماری همواره این موضوع را به اثبات می‌رساند که اصولاً عوامل مؤثر محیطی در نظام استقرار سکونتگاههای کوچک کوهستانی، همواره پایدار بوده‌اند. زیرا در عوامل زمین ساختی از ۳۴ سکونتگاه روستایی در سازندهای زمین شناسی پایدار، ۱۵ سکونتگاه آن (بیش از ۴۴ درصد) به سکونتگاههای کوچک اختصاص داشته است. از نظر پایداری زمین لغزش نیز نتایج حاکی از آن است که از ۵۰ سکونتگاه پایدار، ۲۱ سکونتگاه (۴۲ درصد) در گروه سکونتگاههای کوچک قرار داشته‌اند.

نتایج پایداری منابع آب در سکونتگاههای کوچک کوهستانی نیز همواره نشان می‌دهد که (در طبقه ۲۰ تا ۴۹ خانوار) این گونه سکونتگاهها دارای بیلان مثبت هستند. از سوی دیگر از ۲۸ سکونتگاه پایدار به لحاظ بیلان منابع آب در ناحیه آلاداغ، ۱۶ سکونتگاه (بیش از ۵۷ درصد) در گروه جمعیتی کمتر از ۱۰۰ خانوار تمرکز دارد. در قابلیت و استعداد اراضی، که یکی از شاخصهای کلیدی در بستر سازی تولید و فعالیت به شمار می‌رود، از ۲۴ سکونتگاه روستایی پایدار، ۱۱ سکونتگاه (بیش از ۴۵ درصد آن) در گروه سکونتگاههای کوچک قرار داشته‌اند. از نظر شاخص میزان فرسایش خاک نیز نتایج ارزیابی حاکی از آن است که از بین ۲۱ سکونتگاه روستایی پایدار در سال ۱۳۸۲، بیش از ۴۲ درصد (۹ سکونتگاه) در گروه سکونتگاههای کوچک قرار داشته‌اند. میزان تخریب پوشش گیاهی نیز در سال ۱۳۸۲ نیز همواره نشان می‌دهد که از بیش از ۳۲ سکونتگاه پایدار در سال ۱۳۸۲ بیش از ۴۰ درصد (۱۳ سکونتگاه) سکونتگاههای پایدار، متعلق به سکونتگاههای کوچک بوده است. بنابراین از نظر اکولوژیکی سکونتگاههای کوچک کوهستانی، به ویژه از نظر قابلیت سنجی در منابع آب و خاک، دارای وضعیتی پایدار هستند. علی‌رغم این پایداری از نظر منابع آب، خاک و مرتع در وضع موجود، روند ناپایداری در طی بیست و دو ساله اخیر در ناحیه آلاداغ همواره نشان می‌دهد که به دلیل عدم سیاستگذارهای ملی در جهت تثبیت و پایداری سکونتگاههای کوچک کوهستانی بر تعداد سکونتگاههای ناپایدار افزوده شده است. نتایج تحلیل آماری نشان می‌دهد که تعداد سکونتگاههای ناپایدار از نظر اکولوژیکی در این مدت دو برابر شده است. از این رو ضروری است برای تحلیل فرآیند ناپایداری علاوه بر شاخصهای اکولوژیکی، سایر جنبه‌های اجتماعی - اقتصادی زیست و معیشت روستائیان در این گونه سکونتگاههای

کوچک مورد ارزیابی قرار گیرد.

ناپایداری/پایداری سکونتگاههای روستایی از لحاظ عوامل اقتصادی و کالبدی-فضایی

براساس بررسیهای اقتصادی و کالبدی-فضایی، سکونتگاههای کوهستانی ناحیه آلاداغ و به ویژه سکونتگاههای کوچک در دهه اخیر با تحولات شدیدی روبرو بوده است، زیرا در شاخصهای کلان اقتصادی نظیر درصد شاغلان و میزان بیکاری، نتایج حکایت از آن دارد که طی پنج سال گذشته (۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵) میزان شاغلان ۱۱ درصد کاهش و میزان بیکاری سالیانه نیز ۶/۷ درصد افزایش را نشان می دهد. در واقع این شاخص نسبت به سایر نواحی مشابه در استان خراسان (در خراسان شمالی ۴/۱ درصد) به مراتب زیاده تر می باشد.

یکی دیگر از شاخصهای اقتصادی حاکم بر سکونتگاههای کوهستانی در این ناحیه، به ویژه در سکونتگاههای کوچک آن، تمرکز فعالیت در یک بخش اقتصادی خاص می باشد. زیرا نتایج مطالعات نشان می دهد که در سکونتگاههای کوچک بیش از ۶۴ درصد فعالیت غالب از زراعت (گندم دیم)، باغداری محدود (باغات انگور دیم) و کارگری در سکونتگاههای روستایی همجوار ویا در شهر بجنورد (یا حتی در شهرهای شمالی کشور) می باشد.

چگونگی توزیع ثروت و درآمد در بین اقشار روستایی ساکن در سکونتگاههای روستایی نیز یکی دیگر از شاخصهای اقتصادی قابل توجه می باشد. نتایج بررسیهای اخیر نشان می دهد که طی بیست و دو ساله اخیر همواره روند عدم تعادل در سکونتگاههای کوهستانی ناحیه آلاداغ افزایش یافته است. زیرا در سال ۱۳۶۰ فقط ۲۰ درصد جمعیت روستائیان فاقد زمین آبی بوده اند، در حالی که این مقدار در سال ۱۳۸۲ به ۵۰ درصد افزایش یافته است. از این مهمتر چگونگی نظام توزیع زمین میان زمینداران روستایی می باشد. زیرا نتایج حکایت از آن دارد که ۱۰ درصد از روستائیان ساکن ۵۰ درصد از اراضی را در اختیار دارند، که این موضوع عدم توزیع درآمد را نیز به خوبی نشان می دهد. از این رو ناپایداری اقتصادی به شدت در حال افزایش بوده و در واقع ناپایداری سکونتگاههای روستایی را نیز بیش از پیش تشدید می نماید. (نمودار شماره ۱ و ۲)

در باب اقتصاد سنجی درآمدهای روستائیان از بخشهای اقتصادی در سکونتگاههای کوهستانی نتایج نشان می دهد که به دلیل محدودیتهای برخورداری روستائیان در اراضی کشاورزی همواره بیش از ۶۲ درصد درآمد سرانه روستائیان از بخش دامداری نصیب آنان می شود و باقیمانده آن از بخش زراعت و باغداری تأمین

می‌شود. بدین ترتیب درآمد ماهیانه هر خانوار روستایی در ناحیه آلاداغ برابر با ۸۲ هزار تومان است که این رقم در مقایسه با سایر سکونتگاههای شمال خراسان بسیار ناچیز می‌باشد. از سوی دیگر علی‌رغم درآمد سرانه موجود، تعداد سکونتگاههای ناپایدار از نظر میزان درآمد سرانه در سکونتگاههای کوچک به مراتب کمتر از سکونتگاههای بزرگ است، زیرا فقط ۲۰ درصد از سکونتگاههای کوچک از این حیث ناپایدار می‌باشند.

در بررسی خصوصیات کالبدی- فضایی نیز از شاخصهای همانند، فاصله سکونتگاه تا مهمترین کانون شهری، نوع کیفیت راه ارتباطی، برخورداری از انواع خدمات و نوع و کیفیت مسکن روستایی استفاده شده است. نتایج بررسیهای اخیر نشان می‌دهد که متوسط فاصله سکونتگاههای کوچک با مهمترین کانون شهری یعنی شهر بجنورد بیش از ۲۵ کیلومتر می‌باشد، که این رقم در مقایسه با سایر سکونتگاههای کوهستانی ناحیه (۲۱ کیلومتر) طولانیتر می‌باشد. کیفیت و نوع راه دسترسی نیز همواره نشان می‌دهد که به دلیل موقعیت این قبیل سکونتگاهها در ارتفاعات از محدودیتهای قابل توجهی برخوردار است، زیرا بیشترین میزان راه خاکی ناحیه به سکونتگاههای کوهستانی (۲۶ درصد راه ارتباطی) کوچک اختصاص دارد. بنابراین یکی از ویژگیهای فضایی سکونتگاههای کوچک، دوری از کانون شهری برتر و نبود کیفیت مناسب برای ایجاد تسهیل در ارتباطات اجتماعی- اقتصادی می‌باشد.

دومین شاخص کالبدی- فضایی، ضریب برخورداری از امکانات و خدمات موجود می‌باشد. بر این اساس بیش از ۹۰ درصد سکونتگاههای کوچک از نظر برخورداری از امکانات و خدمات روستایی ناپایداراند. شاخص دیگر که تا اندازه‌ای چهره و وضع کالبدی سکونتگاههای روستایی را نشان می‌دهد، نوع مصالح ساختمانی به کار رفته در مسکن و پایداری ساخت و ساز آنها می‌باشد. نتایج این بررسیهای کالبدی حکایت از آن دارد که بیش از ۸۷ درصد مصالح به کار رفته در مسکن روستایی سکونتگاههای کوچک از نوع بسیار کم‌دوام (همانند خشت، گل و چوب) بوده است و فقط کمتر از یک درصد مسکن از مصالح ساختمانی نظیر آجر، آهن، سنگ استفاده شده است. این در حالی است که ناحیه آلاداغ از نظر زلزله خیزی یکی از مناطق پرخطر به‌شمار می‌رود و شاهد آن نیز وقوع زلزله شدید سال ۱۳۷۵ می‌باشد. از سوی دیگر متوسط طول عمر مسکن روستایی در سکونتگاههای کوچک نیز نشان می‌دهد که بیش از ۶۹ درصد مسکن روستایی دارای عمری بیش از ۳۵ سال هستند و این موضوع در واقع نشانگر آسیب‌پذیری شدید بافت فیزیکی سکونتگاههای کوچک کوهستانی به‌شمار می‌رود.

بنابراین در شرایط اقتصادی و کالبدی- فضایی موجود در سکونتگاههای کوچک کوهستانی ناحیه، از یک سو شاهد تمرکز فعالیت اقتصادی در یک بخش آن هم از فعالیت زراعت دیم و دامداری بوده که توزیع درآمد نیز بسیار ناعادلانه می باشد، زیرا بیش از پنجاه درصد درآمد فقط در دهک انتهایی متمرکز گردیده است که این موضوع پایداری اقتصادی را بیش از پیش تهدید می نماید. بافت کالبدی سکونتگاههای کوچک نیز از نظر امکانات زیربنایی خدمات رفاهی، نوع ارتباطات و مسکن نیز بسیار آسیب پذیر است، زیرا بیش از نود درصد سکونتگاههای کوهستانی موجود از نظر شرایط و امکانات خدمات موجود در ناحیه، شدیداً ناپایداراند. بنابراین با این شرایط برای برون رفت از ناپایداری بایستی اقدامات اساسی در ابعاد توسعه پایدار روستایی صورت پذیرد. به طوری که ابتدا در بعد حفظ منابع تولید پایه بایستی از طریق کنترل روشهای تخریب منابع طبیعی و سپس ایجاد فعالیتهای مکمل اقتصادی در این گونه سکونتگاههای روستایی، زمینه پایداری فعالیت و تولید سازماندهی شود. سپس در بعد کالبدی - فضایی به منظور تجهیز و ساماندهی مطلوب سکونتگاههای کوچک، بایستی سطح بندی مناسب برای برخورداری از امکانات مطلوب و فراگیر مورد توجه قرار گیرد. زیرا پایداری سکونتگاههای روستایی کوچک کوهستانی در سایه تقویت و تجهیز جایگاه سلسله مراتبی آنان در بین سایر سکونتگاههای روستایی فراهم می شود.

عوامل و نیروهای مؤثر بر ناپایداری / پایداری سکونتگاههای کوچک کوهستانی

برای تعیین چگونگی تأثیرگذاری شاخصهای اساسی بر یکدیگر و در نهایت بازتاب آن بر ناپایداری سکونتگاههای کوچک از بیست شاخص در قالب پنج گروه شاخص اصلی محیطی- اکولوژیکی، اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، کالبدی- فضایی و برنامه ریزی رسمی (نظام اعتبارات عمرانی) استفاده شده است. برای دستیابی به روابط و نیروهای مؤثر بر ناپایداری، ابتدا اطلاعات آماری در مورد بیست و دو سکونتگاه کوهستانی نمونه در قالب بیست شاخص تأثیرگذار مورد سازماندهی قرار گرفت و سپس روابط این شاخصها با کمک نرم افزارهای آماری مختلف نظیر spss و excel مورد تحلیل قرار گرفت. بدین ترتیب عوامل نیروهای مؤثر بر ناپایداری سکونتگاههای کوچک کوهستانی از طریق ارتباط شاخصهای تأثیرگذار بر یکدیگر مورد سنجش و ارزشیابی قرار گرفت. پس از بررسیهای آماری فراوان، این نکته آشکارا اثبات شد که اصولاً بخشی از نیروهای مؤثر به صورت

بی‌واسطه (مستقیم) بر ناپایداری سکونتگاههای کوچک تأثیر می‌گذارند. مجموعه عوامل بی‌واسطه، شامل شش شاخص کلیدی نظیر میزان فرسایش خاک، تخریب مرتع، بیلان آب، سرانه خسارات بلایای طبیعی، توزیع اراضی کشاورزی (ضریب جینی) و درآمد سرانه بودند که نتایج آماری آن بر ناپایداری در شکل ضمیمه (نحوه روابط بروز ناپایداری) به روشنی مشاهده می‌شود.

در این بررسی روابط و نیروهای بی‌واسطه بجز بیلان آب، بقیه نیروهای پنجگانه با ناپایداری سکونتگاههای کوچک کوهستانی روابط مستقیمی داشته‌اند، به طوری که با افزایش هر یک از شاخصهای بی‌واسطه بر میزان روند ناپایداری به صورت اساسی افزوده شده است. گروه دوم، نیروها و شاخصهای تأثیرگذار بوده‌اند که دارای نقشی با واسطه هستند. این عوامل در واقع به صورت مستقیم بر ناپایداری تأثیر نمی‌گذارند، بلکه به واسطه تأثیرگذاری بر نیروها و شاخصهای ششگانه اصلی باعث ناپایداری سکونتگاههای روستایی کوچک می‌شوند. مجموعه روابط نیروهای با واسطه بر عوامل بی‌واسطه با دو نوع روابط معکوس (ضریب همبستگی ۰ تا -۱) و مستقیم (ضریب همبستگی ۰ تا +۱) مشخص شده‌اند و بر اساس تجزیه و تحلیل نهایی چگونگی روابط و نیروهای مؤثر مورد سازمان بخشی قرار گرفته است. شاخصهای کالبدی-فضایی در سطر اول، شاخصهای اجتماعی-اقتصادی در سطر دوم و شاخص بر خورداری از خدمات به عنوان شاخص واسطه بین دو گروه آورده شده است. در سطر سوم شاخصهای برنامه‌ای نظیر اعتبارات عمرانی و در سطر چهارم شاخص ارتفاع جانمایی شده است، تا بدین ترتیب رفتار و روابط میان شاخصهای مؤثر بر موقعیت ارتفاعی سکونتگاههای روستایی بیشتر مورد توجه قرار گیرد (نمودار شماره ۳).

نتایج تحلیل آماری در روابط میان شاخصهای کالبدی-فضایی، روابط مستقیم میان فاصله سکونتگاه تا شهر و درصد مالکان روستایی در شهر اثبات گردید. در واقع هرچه فاصله سکونتگاه با شهر افزایش یافته، تعداد بیشتری از مالکین اقدام به مهاجرت نموده‌اند. از سوی دیگر فاصله سکونتگاه تا شهر با متوسط سفرهای ماهانه روستاییان، ارتباط معکوس داشته است، زیرا هرچه فاصله سکونتگاه با شهر کمتر شده، تعداد مسافرتهای ماهانه روستاییان به شهر افزایش یافته است. تأثیرگذاری این شاخصها (کالبدی-فضایی) بر شاخصهای بی‌واسطه، به گونه‌ای بوده که درصد مالکین در شهر بر بیلان آب ارتباط معکوس داشته است. بدین معنی که هرچه از تعداد مالکین ساکن در شهر کاسته شود، بر بهبود بیلان آب افزوده شده است. به عبارت روشنتر یک ارتباط معکوس بین مهاجرت مالکین و بیلان آب قابل اثبات است.

در شاخصهای اقتصادی-اجتماعی، درصد اشتغال با برخورداری از خدمات ارتباط معکوس داشته است. در واقع با افزایش میزان خدمات در سکونتگاههای کوهستانی از درصد اشتغال کاسته شده است. بدین ترتیب نظام خدمات رسانی در سکونتگاههای کوهستانی، افزایش اشتغال را در پی نداشته است. برخورداری از خدمات با میزان مهاجر فرستی نیز ارتباط معکوس داشته است، در واقع امکانات خدماتی در سکونتگاههای کوهستانی کاهش مهاجرت روستاییان را در پی نداشته است. از این مهمتر شاخص برخورداری از راه روستایی با درآمد سرانه نیز در ناحیه آلاداغ یک ارتباط معکوس را نشان می دهد. به گونه ای که با افزایش میزان برخورداری از راه روستایی، همواره از میزان درآمد سرانه روستاییان کاسته می شود. به عبارت روشتر روابط معنی داری بین برخورداری از راه روستایی، درصد اشتغال و برخورداری از خدمات با شاخصهای بی واسطه وجود داشته است، زیرا همواره با افزایش میزان راه روستایی و ضریب برخورداری از خدمات، درآمد سرانه کاهش یافته که این کاهش بر ناپایداری سکونتگاهها تأثیر مستقیمی را نشان می دهد.

در بخش اعتبارات دولتی، میزان اعتبارات تولیدی با تخریب مرتع ارتباط معکوس داشته است. در واقع هرچه از میزان اعتبارات تولیدی در سکونتگاههای کوهستانی کاسته شده، بر میزان تخریب مرتع افزوده شده است. از سوی دیگر این شاخص با سرانه خسارات بلایای طبیعی نیز ارتباط معکوسی را نشان می دهد.

بنابراین، مجموعه روابط حاکم حکایت از این دارد که شاخصهای اجتماعی-اقتصادی متأثر از نظام برنامه ریزی کشور، به ویژه در بخش عمران روستایی برنامه دوم و سوم (بی توجهی به سکونتگاههای کوچک و گرایش به شهرگرایی) تأثیر بسزایی در تخریب منابع تجدید شونده (نظیر آب، خاک، مرتع) داشته است، که حاصل آن کاهش ظرفیتهای اکولوژیکی را در پی داشته است. این کاهش ظرفیتهای اکولوژیکی به نوعی کاهش ضریب نگهداشت و تثبیت جمعیت را در سکونتگاههای کوچک باعث گردید.

آزمون فرضیه های تحقیق

در این پژوهش تعیین نیروهای مؤثر بر پایداری/ناپایداری سکونتگاههای کوچک کوهستانی، با بهره گیری از رویکرد توسعه پایدار از دیدگاه کالبدی-فضایی و گزینش شاخصهای محیطی-اکولوژیکی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، کالبدی-فضایی و برنامه ریزی مورد توجه قرار گرفته است که به واسطه آن فرضیه های زیر مورد اثبات و تحلیل قرار می گیرند:

فرض اول: ناپایداری سکونتگاههای کوچک کوهستانی در چارچوب روند کنونی نظام بهره برداری از منابع طبیعی (تجدید شونده) تشدید خواهد شد.

برای تحلیل کمی و کیفی این فرضیه، ابتدا ویژگیها و توانمندیهای کوهستانی از نظر منابع طبیعی تجدید شونده، مورد تحلیل آماری قرار گرفته است. برای این منظور استعداد و قابلیت اراضی (فرسایش خاک)، پوشش گیاهی (تخریب مرتع) و دسترسی به منابع آب (بیان آب) در سه وضعیت پایدار، نیمه پایدار و ناپایدار مورد ارزشیابی قرار گرفت. برای تعیین شرایط بهره برداری از منابع تجدید شونده از دو مقطع زمانی استفاده شده است. برای این منظور شروع تحلیل آماری از سال ۱۳۶۰ و انتهای دوره بررسی سال ۱۳۸۰ تعیین شده است. یکی از شاخصهای اساسی در نظام بهره برداری از منابع طبیعی، میزان فرسایش خاک به عنوان یک شاخص کلیدی است. برای این منظور در سال ۱۳۶۰، تعداد سکونتگاههای کوهستانی کوچک که دارای میزان فرسایش خاک مجاز بوده‌اند (کمتر از ده تن در هکتار)، به عنوان سکونتگاههای پایدار محسوب شده‌اند و این تعداد برابر با ۲۵ سکونتگاه بوده است (از کل ۳۳ سکونتگاه کوچک). به عبارت بسیار روشتر ۷۵ درصد از سکونتگاههای کوچک کوهستانی در این مقطع از نظر میزان فرسایش خاک پایدار بوده‌اند. در حالی که در انتهای دوره بررسی در سال ۱۳۸۰، تعداد سکونتگاههای کوهستانی پایدار از نظر میزان فرسایش خاک به ۹ سکونتگاه پایدار (بیش از ۲۷ درصد) کاهش یافته است. به عبارت دیگر در طی کمتر از دو دهه، بیش از ۵۷ درصد از سکونتگاههای کوچک کوهستانی به شرایط ناپایداری سوق یافته‌اند. شاخص میزان تخریب پوشش گیاهی (تخریب مرتع) در سکونتگاههای کوچک نیز در سال ۱۳۶۰، حکایت از این دارد که در این سال بیش از ۷۵ درصد سکونتگاههای کوچک دارای شرایط پایدار بوده‌اند. این در حالی است که میزان سکونتگاههای پایدار در سال ۱۳۸۰ به ۳۹ درصد کاهش یافته است. از سوی دیگر نتایج ارزیابی در میزان تخریب در مراتع نشان می‌دهد که طی دو دهه گذشته بیش از ۵۷ درصد از سکونتگاههای کوچک کوهستانی در شرایط ناپایداری قرار گرفته‌اند.

جدول شماره ۱: وضعیت پایداری سکونتگاههای کوچک کوهستانی از منابع طبیعی

پوشش گیاهی			فرسایش خاک			شرح
ناپایدار	نیمه پایدار	پایدار	ناپایدار	نیمه پایدار	پایدار	
۱۳۶۰			۱۳۶۰			
۲	۶	۲۵	۷	۱	۲۵	تعداد
۶/۰۸	۱۸/۱۸	۷۵/۷۴	۲۱/۲۱	۳/۰۳	۷۵/۷۶	درصد
۱۳۸۰			۱۳۸۰			
۱۹	۱	۱۳	۱۹	۵	۹	تعداد
۵۷/۵۷	۳/۰۳	۳۹/۴	۵۷/۵۷	۱۵/۱۵	۲۷/۲۸	درصد

در همین ارتباط بر اساس تجزیه و تحلیل آماری بیش از ۵۱ درصد از سکونتگاههای کوچک دارای شرایط ناپایدار از نظر یلان آب بوده‌اند. بدین ترتیب بر اساس تجزیه و تحلیل آماری و پیمایش میدانی در ناحیه آلاداغ، تخریب منابع طبیعی همواره دارای روند تشدید شده است، از سوی دیگر چگونگی بهره‌برداری از منابع طبیعی، این روند را در آینده بیشتر مورد تهدید قرار می‌دهد، زیرا بر اساس عواملی نظیر نبود تنوع فعالیتهای اقتصادی، اتکاء بیش از اندازه به دیم‌زارها در اقتصاد خانوار، تخریب بیش از پیش مرتع (افزایش تعداد واحد دامی در سامانه‌های عرفی سکونتگاههای روستایی) و نبود توزیع عادلانه ثروت و درآمد (۲۵ درصد جمعیت سکونتگاههای روستایی بیش از ۷۵ درصد منابع تولید را در اختیار دارند) ناپایداری سکونتگاههای روستایی ناحیه در حال افزایش می‌باشد.

فرض دوم: رویکردهای رسمی در برنامه ریزی فضایی سرزمین و روند ترغیب شهرگرایی موجب فروپاشی کوچک کوهستانی شده است.

یکی از جلوه‌های بارز رویکرد رسمی در برنامه ریزی فضایی سرزمین تبیین شالوده‌های اساسی طرح آمایش سرزمین است. با بررسی در ادبیات موجود برنامه ریزی آمایش سرزمین، هر چند این الگوی برنامه‌ریزی به دنبال سازماندهی فضا به نحو مطلوب است، به طوری که تضادها و نابرابریهای موجود و تأسیسات

ضروری را با کمیّت و کیفیت درست، در جای مناسب و در هنگام معین و به حال و وضع مناسب و ترکیب موزون و زیبا، به نحوی در فضا استقرار دهد تا حق همه در مقام خود ادا شود و هر چیزی در جایی بنشیند که غیر از آن سزاوار نیست (مؤمنی، ۱۳۸۱: ۷) از سوی دیگر آمایش سرزمین در پی استمرار مستمر جمعیت در حدّ متناسب روی فضا، جلوگیری از حرکات مکانی جمعیت، کاربرد تدابیر لازم در تثبیت جغرافیایی جمعیت‌های مهاجر، کاهش تباينهای محیطی و اصلاح و بهسازی مکان نامطلوب و به اصطلاح ناپایداری جغرافیایی و... از آن جمله است. (فرید، ۱۳۸۰: ۱۲۱) بنابراین در طرح آمایش سرزمین اصولاً اولویت با مناطق در حال توسعه و یا مناطقی که بنا به دلایلی با محدودیت‌های اجتماعی-اقتصادی و اکولوژیکی روبرو هستند، خواهد بود. زیرا از این طریق مناطق در سطح فضای ملی همسان و مطلوب رشد و توسعه می‌یابند. بدین ترتیب ناپایداری نظام شهری و روستایی به حداقل ممکن کاهش می‌یابد و در نهایت از فروپاشی برخی سکونتگاههای روستایی کاسته می‌شود.

درحالی که رویکرد رسمی در برنامه‌ریزیهای فضایی سرزمین و به‌ویژه طرح پایه آمایش سرزمین کشور در راستای فروپاشی سکونتگاههای روستایی، خصوصاً سکونتگاههای کوچک، عمل می‌نماید. به‌طوری که در استراتژی توسعه مناطق روستایی، اولویت اول را نیز به مناطق توسعه یافته تر داده است (وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۴: ۹۶). با اجرای این نگرش در برنامه‌ریزی آمایش سرزمین کشور، همواره شرایط ناپایداری بر نواحی روستایی رو به توسعه و حاشیه‌ای تحمیل می‌شود. این اولویت‌بندی در گرایش برنامه‌ریزی سرزمین به همراه اعمال برنامه‌ریزی زیربخشی، پیامدهای تمرکزگرایی و از هم گسیختگی سکونتگاههای شهری و روستایی را به‌دنبال داشته است.

بررسی این‌گونه سیاستگذاری عملکرد اجرایی رسمی دولت، همواره تمرکز سرمایه گذاری و اعتبارات را به طرف نواحی مستعد نظیر دشتهای بزرگ و نواحی حاصلخیز در حاشیه شهرهای درجه ۱ و ۲ سرازیر کرده است، که حاصل آن ناپایداری شدید سکونتگاههای کوهستانی و به‌ویژه نوع کوچک آن را در پی خواهد داشت. همین شرایط با اندک تغییراتی در سیاستهای آمایش سرزمین استان خراسان نیز به‌نوعی وجود دارد. به‌گونه‌ای که در سیاستهای توسعه نواحی در استان خراسان، نگاه توسعه‌ای به دشتهای نسبتاً وسیع معطوف گردیده و در نهایت دشت شیروان-بجنورد و کشتهای فشرده (سازمان برنامه و بودجه خراسان، ۱۳۶۴: ۱۸۴) آن به‌عنوان نواحی توسعه‌یافته‌تر مورد توجه قرار گرفته است و در نهایت بسیاری از سکونتگاههای کوچک مورد

بی مهری قرار گرفته‌اند، که اثرات نابایداری و تخلیه بسیاری از سکونتگاههای کوچک را در پی داشته است. از سوی دیگر این نگاه غالب در رویکرد رسمی برنامه‌ریزی فضایی سرزمین، در برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی-اقتصادی، فرهنگی پنجساله نیز تسلط دارد، زیرا در تحلیل برنامه‌های دوم و سوم در سکونتگاههای کوهستانی ناحیه نگاه توسعه‌ای به سکونتگاههای بزرگ و همچنین توزیع فضایی اعتبارات به نفع سکونتگاههای شهری حاکم بوده است. در نتیجه سیاست شهرگرایی، رونق و پایداری یکسری از سکونتگاههای کوچک را از بین برده است. نتایج ارزشیابی برنامه دوم در سکونتگاههای کوهستانی ناحیه آلاداغ، همواره نشان می‌دهد اولاً بیشترین میزان اعتبارات در امور اجتماعی به مصرف رسیده و این درحالی است که بیشترین اعتبارات نیز در سکونتگاههای ۲۵۰ خانوار و بیشتر توزیع شده است. در امور تولیدی و زیربنایی این برنامه، به ترتیب فقط ۲۰/۹ و ۱۴/۴ درصد از اعتبارات تخصیص و هزینه شده است. توزیع فضایی اعتبارات نیز همواره نشان می‌دهد که در سکونتگاههای کوچک فقط ۲۷ درصد از اعتبارات تولیدی به مصرف رسیده است، در حالی که در سکونتگاههای بزرگ بیش از ۴۴/۵ درصد است. بنابراین نحوه عملکرد اعتبارات تولیدی نشان می‌دهد که توزیع اعتبارات در سکونتگاههای کوچک همواره از دیدگاه برنامه‌ریزان رسمی کشور غیر اقتصادی است.

توزیع سرانه اعتبارات میان شهر و روستا نیز در این برنامه در ناحیه آلاداغ بسیار نا عادلانه و به سود شهر بجنورد بوده است، زیرا سرانه شهروندان بجنورد ۴۶/۷ درصد بیشتر از روستاییان می‌باشد و در واقع این امر به نوعی نمادی از ترغیب شهرگرایی را به اثبات می‌رساند. تخصیص اعتبارات دولتی برنامه سوم توسعه نیز در ناحیه آلاداغ همواره به نوعی توجه به سکونتگاههای بزرگ و همچنین گرایش شهرگرایی را به صورت اساسی نشان می‌دهد. در این برنامه روند حجم اعتبارات، علی‌رغم افزایش طبیعی خود، کاهش میزان اعتبارات سکونتگاههای کوچک را نسبت به سکونتگاههای بزرگ نشان می‌دهد، زیرا از یک سو سهم اعتبار سکونتگاههای کوچک در برنامه سوم برابر با ۲۳/۲ درصد کاهش نشان می‌دهد و از سوی دیگر بخش قابل توجهی از اعتبارات تولیدی نیز در سکونتگاههای کوهستانی بزرگ به مصرف رسیده است.

عملکرد برنامه سوم در افزایش روند شهرگرایی و گسیل اعتبارات عمرانی به سمت شهر بجنورد نیز بسیار قابل توجه است، به طوری که حجم اعتبارات شهر بجنورد در برنامه سوم نسبت به برنامه دوم بیش از ۷۹ درصد افزایش یافته است، درحالی که حجم کل اعتبارات در سکونتگاههای کوهستانی فقط ۱۶/۷۹ درصد افزایش را نشان می‌دهد. در همین ارتباط اعتبارات سرانه سالیانه هر شهروند بجنوردی در برنامه دوم ۹۱۰۰ تومان بوده در

حالی که در برنامه سوم به ۱۴۴۰۰ تومان افزایش یافته است. در مقابل درآمد سرانه روستاییان از ۶۲۰۰ تومان در برنامه دوم به ۸۲۰۰ تومان در برنامه سوم ارتقاء یافته است (درواقع افزایش سرانه شهروندان بیش از ۵۸ درصد بوده است).

فرض سوم: آرایش بهینه مکانی، فضایی سکونتگاههای کوهستانی با تأکید بر ابعاد توسعه پایدار، می تواند موجب پایداری این گونه سکونتگاههای روستایی گردد.

الگوهای آرایش مکانی - فضایی سکونتگاههای روستایی با شناخت عمیق و درک چگونگی استقرار سکونتگاههای کوچک و بزرگ در فضایی ناحیه‌ای به دنبال دو هدف هم پیوند همراه است.

الف) انتظام سلسله مراتبی سکونتگاههای بزرگ و کوچک از جمله روستاهای پراکنده و منفصل و...

ب) تخصیص امکانات و خدمات گوناگون و ممکن به هریک از سکونتگاهها با توجه به جایگاه هریک در نظام سلسله مراتبی و با تأکید خاص بر تعادل فضایی از لحاظ پراکنش خدمات، به عبارت دیگر آرایش منظم و در خور مکانی - فضایی تجلی کوشش در برقراری تعادل مکانی - فضایی و اجتماعی - اقتصادی از طریق یک نظام سکونتگاهی، یکپارچه، مکمل، کارآمد و فعال خواهد بود (سعیدی، ۱۳۷۵: ۴۱۲-۴۱۱).

با دسترسی به این الگو از سازماندهی سکونتگاههای روستایی، که با استفاده از روش ایفای نقش و تقویت عملکرد سکونتگاههای کوچک و پراکنده به سازماندهی نظام سلسله مراتبی خدمات و تجهیز سکونتگاهها برای بهره برداری مطلوب از منابع نقطه ای آب و خاک در سطح محلی، منطقه ای و ملی می پردازد، به صورت بسیار روشن به اهداف رویکرد توسعه پایدار از دیدگاه کالبدی - فضایی نزدیک می شویم. زیرا در این الگو در کنار تجهیز سطوح خدماتی برای هریک از سکونتگاههای روستایی کوچک، فرصتهای مناسب برای ایجاد اشتغال و تولید برای تمامی اقشار آسیب پذیر فراهم می شود، که اثرات آن ضمن حفظ مشارکت فعال، همه جانبه و مستمر در تمامی فعالیتهای اجتماعی - اقتصادی روستائیان، پایداری سکونتگاههای روستایی را موجب می شود.

در بررسی و شناخت سکونتگاههای کوهستانی ناحیه آلاداغ، همواره نظام استقرار سکونتگاهی بر چگونگی توزیع منابع مبتنی بوده است، زیرا چگونگی توزیع مکانی منابع آب و خاک، بعضاً مرتع، در پیدایش و استقرار سکونتگاههای روستایی نقش اساسی را ایفا نموده است. در این ارتباط تجمع و گسترده‌گی منابع تأثیر شگرفی در اندازه جمعیتی ناحیه آلاداغ داشته است. بر اساس تجزیه و تحلیل آماری بیش از ۶۵ درصد

سکونتگاههای بزرگ در نقاطی از ناحیه آلاداغ استقرار یافته که از نظر منابع آب و خاک در وضعیتی نسبتاً پایدار قرار داشته اند. در حالی که در بخشهایی از ناحیه، که با محدودیت منابع آب و خاک روبرو هستیم، از تعداد و اندازه جمعیتی سکونتگاهی نیز کاسته می شود. به طوری که در محدوده شمال غربی ناحیه، به دلیل کمبود امکانات نظیر کاهش منابع آبی و کمبود اراضی کشاورزی همواره سکونتگاههای کوچک کوهستانی نظیر بوربور، ینگلی قلعه، قلعه ممو و... استقرار یافته اند. بنابراین ارتباط معقول و منطقی میان برخورداری از امکانات و منابع تولیدی به اندازه جمعیتی سکونتگاههای روستایی برقرار می باشد. نتایج آماری در سکونتگاههای کوچک از نظر برخورداری از خدمات نیز نشان می دهد که در بین ۳۳ سکونتگاه کوهستانی کوچک در ناحیه آلاداغ ۳۰ سکونتگاه آن از نظر خدمات دارای شرایط ناپایداراند. بدین ترتیب سکونتگاههای کوچک کوهستانی به دلیل کاهش برخورداری از سطوح خدماتی از یک سو و آسیب پذیری شدید ناشی از تخریب منابع طبیعی (فرسایش خاک و پوشش گیاهی) از سوی دیگر طی دو دهه گذشته به شدت به سمت ناپایداری سوق یافته اند.

بر اساس بررسیهای انجام یافته در سکونتگاههای کوچک کوهستانی از نظر سه شاخص اساسی منابع طبیعی در بین سکونتگاههای کوچک کوهستانی، فقط چهار سکونتگاه (۱۲/۱۲ درصد) دارای شرایط ناپایداری قوی بوده اند،

جدول شماره ۲: وضعیت سکونتگاههای کوچک کوهستانی از نظر وضعیت پایداری منابع طبیعی

(از نظر میزان فرسایش خاک تخریب پوشش گیاهی و منابع آب)

درصد	تعداد	نوع پایداری سکونتگاههای روستایی
۱۵/۱۵	۵	پایداری قوی
۱۲/۱۲	۴	ناپایداری قوی
۴۵/۴۵	۱۵	ناپایداری ضعیف
۲۷/۸۲	۹	پایداری ضعیف
۱۰۰	۳۳	کل

در حالی که در پانزده سکونتگاه روستایی (۴۵/۴۵ درصد) با شرایط ناپایداری ضعیف روبرو هستیم. از این رو

با بهره‌گیری از الگوی مذکور و افزایش نقش عملکردی این قبیل سکونتگاهها از طریق باز آفرینی اشتغال و تنوع فعالیتهای موجود به‌همراه برخورداری از امکانات و خدمات نقطه ای در سکونتگاه و بهره‌مندی از امکانات حوزه‌ای در همجواری سکونتگاههای کوهستانی دیگر، می‌توان وضعیت سکونتگاههای کوچک را از حالت ناپایداری ضعیف تبدیل به حالت پایداری ضعیف نمود.

از سوی دیگر براساس رده بندی خدماتی در وضع موجود بسیاری از سکونتگاههای کوچک از نظر رده‌بندی خدماتی در سطح پنجم خدماتی قرار دارند، درحالی‌که با برنامه‌ریزی در وضع مطلوب به کمک نظام سطح بندی جایگاه و نقش فضایی سکونتگاههای کوهستانی کوچک، ارتقاء خواهند یافت و از این طریق با توزیع امکانات خدمات مناسب و تنوع بخشی فعالیتهای اقتصادی، ناپایداری سکونتگاههای روستایی کوچک کاهش می‌یابد.

جمع‌بندی و پیشنهادهای اجرایی در قالب رویکرد توسعه پایدار

در تحلیل و بازنگری عوامل و نیروهای مؤثر بر ناپایداری سکونتگاههای کوهستانی، همواره اصل نگرش و ارتباط سیستمی میان نیروهای تأثیرگذار به شکلی مورد اثبات قرار گرفت. از این رو برای برون رفت نسبی از شرایط ناپایداری بایستی به‌گونه‌ای همه‌جانبه و یکپارچه تمامی ابعاد توسعه پایدار روستایی مورد توجه قرار گیرد. به عبارت روشتر برای دستیابی به توسعه همه‌جانبه روستایی در سکونتگاههای کوهستانی بایستی محورهای زیر به‌صورت مطلوب و مؤثر مورد توجه قرار گیرد:

الف) حفاظت و بهره‌برداری مطلوب و مؤثر از منابع پایه؛

ب) افزایش روحیه دانش‌پذیری و توانمندسازی اقشار آسیب‌پذیر در سکونتگاههای کوهستانی؛

پ) بستر سازی مناسب برای تقویت و گسترش روحیه مشارکت‌پذیری (مشارکت فعال، مستمر و همه‌جانبه)؛

ت) افزایش بهره‌برداری از امکانات اقتصادی موجود و ظرفیت‌سازی برای ایجاد فعالیتهای جدید اقتصادی؛

ث) افزایش سطح کیفیت زندگی در سکونتگاههای کوهستانی؛

ج) اصلاح و انتظام شبکه مکانی - فضایی سکونتگاههای کوهستانی به منظور برخورداری از امکانات و خدمات مناسب.

بنابراین برای تدوین نظام برنامه‌ریزی همه‌جانبه پایدار در سکونتگاههای کوهستانی و محورهای مورد نظر

بالا (با اتکاء به رویکرد توسعه پایدار از دیدگاه کالبدی- فضایی) به تشریح اهم فعالیتها در هر یک از ابعاد توسعه پایدار می پردازیم.

بعد اکولوژیک

از جمله شرایط اکولوژیکی که افزایش میزان فرسایش خاک و بروز پدیده های سیل را در سکونتگاههای کوهستانی باعث گردیده، افزایش بیش از پیش تخریب مراتع خوب و متوسط بوده است. در واقع این مراتع به دلیل گسترش بی رویه اراضی دیمی طی دو دهه به شدت مورد تخریب قرار گرفته است. برای تعدیل میزان فرسایش خاک در اراضی مرتعی و افزایش میزان پوشش گیاهی مناسب که ضریب سیل خیزی را نیز کاهش دهد، بایستی پروژه های زیر ساماندهی شود.

الف) عملیات تبدیل دیم زار های کم بازده به مرتع؛

ب) کپه کاری موردی؛

پ) عملیات قرق و قرق حفاظتی؛

ت) عملیات مکانیکی.

بعد اجتماعی - نهادی

با ضرورت شناسی از بعد اجتماعی در توسعه پایدار روستایی به منظور افزایش نقش پذیری روستائیان در فرهنگ سازی بهره برداری منطقی و متناسب از منابع طبیعی تجدید شونده، بایستی اهداف زیر به صورت اساسی مورد توجه قرار گیرد:

• ایجاد و گسترش فعالیت های آموزشی - فرهنگی مطلوب؛

• تقویت و نقش مشارکت فعال و همه جانبه و مستمر روستائیان؛

• ایجاد تشکلهای غیر دولتی مناسب؛

• افزایش رضایتمندی روستائیان از کیفیت زندگی (امکانات بهداشتی و درمانی، الگوی مصرف).

بنابراین برای سازماندهی بعد اجتماعی - نهادی به منظور افزایش نقش کلیدی روستائیان در تصمیم گیری، پاره ای از اقدامات و فعالیت های زیر بایستی توسط سازمانهای دولتی و بخش دیگر توسط خود روستائیان

(با حمایت دستگاههای متولی) به مرحله اجرا درآید.

الف) برگزاری دوره های آموزشی برای تجهیز، توانمند سازی و روحیه خود اتکابی به ویژه در نسل جوان (به

منظور افزایش روحیه تصمیم گیری و به دست گرفتن مدیریت توسعه در سطح سکونتگاههای روستایی)؛

ب) برگزاری دوره های آموزشی برای افزایش سطح تکنولوژیکی و مهارتهای عملیاتی و اجرایی (برای بهره

برداری بهینه و مطلوب و پایدار از صنایع پایه)؛

پ) ایجاد ساز و کارهای مناسب برای افزایش میزان روحیه مشارکت پذیری تمامی اقشار جامعه روستایی

(به طوری که طرحها و پروژه های اجرایی در سطح سکونتگاههای روستایی با فکر و ایده روستایی طراحی و با دست

و نیروهای آنان اجرا و سپس مورد نظارت و بهره برداری آنان قرار گیرد. در این زمینه طرحهای کشاورزی بایستی در

اولویت اساسی قرار گیرد)؛

ت) بومی سازی تشکلهای غیر دولتی، با تشویق و حمایت جوانان روستایی در بخشهایی نظیر احیاء و حفاظت

منابع طبیعی، راهاندازی واحدهای تولیدی، ایجاد خدمات بهداشتی و درمانی، ایجاد واحدهای ساخت و

ساز مسکن و سایر خدمات مورد نیاز نهادهای غیر دولتی را ایجاد کرد؛

ث) تدوین ساز و کار مطلوب برای تحقق مدیریت محلی (از طریق تفویض اختیار برخی از فعالیتهای اجرایی و

مدیریتی دستگاههای اجرایی به شورای اسلامی روستا نقش روستاییان در برنامه ریزی توسعه محلی افزایش می یابد)؛

ج) ایجاد زمینه های مناسب برای شناخت و بهره برداری از دانش بومی در حفظ منابع طبیعی (با تشویق

متخصصین دانش بومی بهره برداری در کوهستان مورد مطالعه قرار گیرد تا به واسطه آن و از طریق نهادسازی مورد

استفاده روستا نشینان قرار گیرد).

بعد اقتصادی

در چارچوب رویکرد توسعه پایدار روستایی، پایداری تولید و درآمد (امنیت اقتصادی) در سکونتگاههای

روستایی، به ویژه سکونتگاههای کوهستانی در ناحیه مورد پژوهش، از اهمیت بسیار اساسی و ضروری

برخوردار است. زیرا از یک سو با افزایش کارآیی و میزان بهره برداری در واحدهای تولیدی از ظرفیتهای

موجود به صورت مطلوب بهره برداری می شود و در سایه درآمد کافی بهره برداران، زمینه سازی مناسب برای

ایجاد فعالیتهای جدید در ظرفیت بالقوه فراهم می گردد.

بنابراین با توجه به شاخصهای اقتصادی برای پایدار سازی نظام اقتصادی سکونتگاههای کوهستانی ناحیه آلاداغ، همواره اهداف زیر بایستی مورد توجه قرار گیرد:

۱. اصلاح و بهبود روشهای بهره برداری از منابع پایه (افزایش بهره وری)؛
۲. ایجاد فرصتهای برابر برای دسترسی تمامی روستائیان به اعتبارات و تسهیلات مالی (توزیع اعتبارات عمرانی)؛
۳. تحوّل در ساختارهای اقتصادی موجود برای ترغیب مشارکت بخش غیر دولتی و خصوصی؛
- ۴- تنوّع سازی در فعالیتهای اقتصادی؛

۵. افزایش موقعیت اشتغال برای بهره برداران بدون زمین در فعالیتهای غیر کشاورزی و منابع طبیعی.

برای تحقق اهداف اقتصادی بالا در سکونتگاههای کوهستانی، به ویژه در سکونتگاههای کوچک، بایستی اقدامات اصلاحی و احیایی در فعالیتهای اقتصادی موجود و ایجاد تنوّع در آن صورت پذیرد. به همین منظور اهمّ اقدامات زیر به صورت اساسی پیشنهاد می شود:

الف) در بخش زراعت و باغداری در اقتصاد کشاورزی ابتدا بایستی الگوهای کشت انواع محصولات و شیوه های آن به صورت اساسی اصلاح شود، زیرا با وجود محدودیتهای منابع آب، میزان تولیدات موجود از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست؛

ب) شیوه های دامداری موجود، به دلیل کاهش منابع علوفه ای و با لطمه تخریب بیش از اندازه مراتع، توصیه می شود ابتدا تغییر نظام دامداری از سنتی به نیمه صنعتی با سرمایه گذاری نظام بانکی (به شیوه مناسب) و از طریق تشکلهای غیر دولتی نظیر انجمن دامداران روستایی مورد توجه قرار گیرد، زیرا ضمن افزایش درآمد دامداران از تخریب منابع طبیعی به ویژه مراتع به صورت اساسی، کاسته می شود.

پ) نظام عرضه و فروش محصولات کشاورزی به ویژه محصولات باغی بایستی دچار تحولات اساسی گردد، زیرا با روش موجود بیش از ۴۵ درصد از درآمد تولیدات باغی نصیب دلالان و واسطه های شهری می شود که از طریق تشکلهای غیر دولتی می توان برخی از جوانان روستایی را با اعطای وامهای کم بازده تشویق به ایجاد تعاونیهای توزیع فرآورده های کشاورزی نمود، که اثرات آن ضمن ایجاد اشتغال در جوانان روستایی، درآمد سرانه خانوارهای روستایی نیز به صورت مطلوبی افزایش می یابد.

ت) در تنوّع بخشی به نظام تولید بایستی ایجاد فعالیتهای مکمل کشاورزی در زیر بخشهای دامداری از طریق ایجاد واحد های تولید فرآورده های لبنی با تشویق و ترغیب سرمایه گذاری و مشارکت بخش خصوصی

مورد سازماندهی قرار گیرد، که این امر به‌ویژه در سکونتگاههای مرتفع کوچک، ضروری می‌باشد. از سوی دیگر با توجه به پتانسیلهای طبیعی موجود در ناحیه آلاداغ فعالیتهای اقتصادی دیگر نظیر زنبور داری، پرورش ماهی و نوغانداری بایستی در دستور توسعه اقتصادی ناحیه قرار گیرد.

ث) یکی از فعالیتهای عمده باغداری در ناحیه آلاداغ، پرورش انگور است که در نوع گونه‌های انگور بایستی اصلاحات اساسی صورت پذیرد. زیرا بیش از هشتاد درصد انگورهای تولیدی قابلیت نگهداری و تبدیل به فرآورده‌هایی نظیر کشمش را نداشته و بالطبع خسارات زیادی به باغداران وارد می‌شود. علاوه بر آن بایستی واحدهای تولیدی کوچک آب انگور با استاندارد های لازم در برخی از سکونتگاههای کوهستانی نظیر دراغانلو یا بدرانلو مورد سازمان دهی قرار گیرند، زیرا در غیر این صورت به دلیل مشکلات اقتصادی برخی از فعالیتهای قاچاق به شیوه ای ناصحیح رواج می‌یابد که اثرات آن بسیار مخربتر و حتی باعث بروز بیماریهای شدید و خسارات غیر قابل جبران می‌شود و مشکلات بسیار زیادی را نیز برای روستائیان فراهم می‌نماید.

ج) نظام توزیع اعتبارات، به‌ویژه از بعد اعتبارات ملی و منطقه‌ای، از طریق سازمان مدیریت و برنامه ریزی بایستی مورد تجدید نظر اساسی قرار گیرد. بدین صورت که با تقویت بودجه‌ها و سر فصلهای تولیدی در این قبیل سکونتگاههای کوهستانی ایجاد فعالیتهای تولیدی مکمل مورد توجه قرار گیرد. در بخش اعتبارات نظام بانکی نیز نتایج مطالعات نشان می‌دهد همواره روستائیان با مشکلات زیادی در جذب این اعتبارات روبرو بوده‌اند، (در صورت جذب نیز مبالغ اعتبار بسیار ناچیز بوده که بیش از هفتاد درصد این اعتبار صرف مخارج خانوار و یا حتی در مصارف غیر تولیدی و تجهیز امکانات و خدمات مورد نیاز مصرف می‌شود). که بایستی اقدامات اساسی در تسهیل و افزایش میزان اعتبارات بانکی صورت پذیرد.

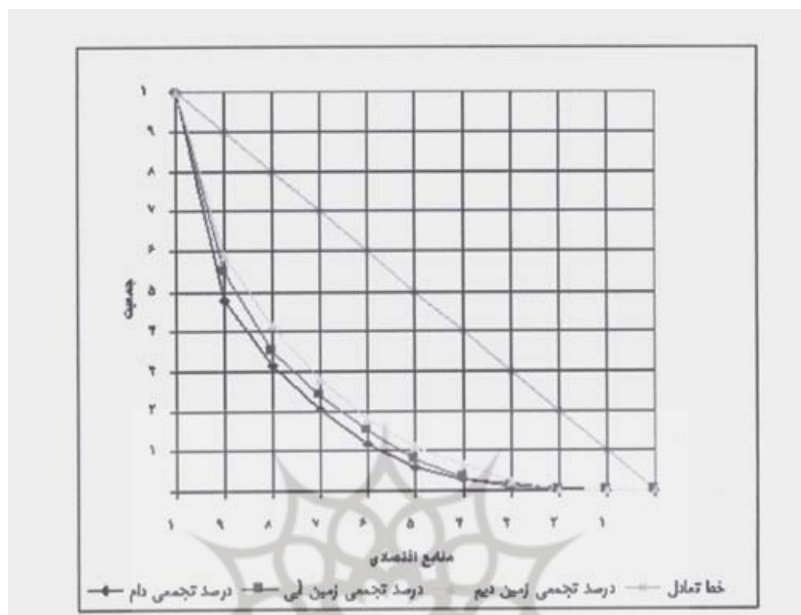
بعد کالبدی - فضایی

برای طراحی نظام مطلوب خدمات رسانی در سکونتگاههای روستایی، به‌ویژه سکونتگاههای کوهستانی الگو و روش توزیع خدمات (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷: ۱۳۱ تا ۱۳۵) نقطه‌ای و حوزه‌ای استفاده شده است. بدین منظور پس از تطبیق شرایط سطح بندی در وضع موجود با الگوی نظری وضع مطلوب، تمامی سکونتگاههای کوهستانی در پنج سطح مورد ساماندهی قرار گرفته‌اند. بدین ترتیب تلاش این بود که از بعد

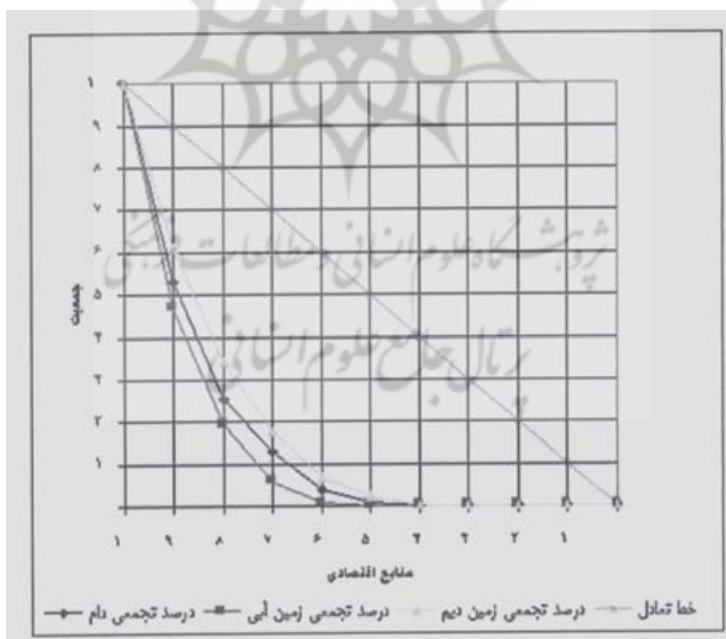
مکانی - فضایی ابتدا سطوح خدماتی در سکونتگاههای روستایی به ویژه در سکونتگاههای کوهستانی به گونه‌ای تعیین شود تا ضمن برخورداری تمامی سکونتگاهها از امکانات و خدمات حوزه‌ای و نقطه‌ای، نظام سلسله‌مراتبی سکونتگاهی نیز از خصوصیت نسبتاً پایداری برخوردار شود.

در این ارتباط به لحاظ اهمیت و نقش عملکردی سکونتگاههای روستایی در سطوح ۱ تا ۳ و خدمات‌رسانی ویژه آنان در نظام سکونتگاهی به رده‌های خدماتی ۴ و ۵، یک سری خدمات برتر در این سکونتگاههای روستایی در نظر گرفته شده است. بدیهی است که در عین برخورداری از امکانات نقطه‌ای موجود در این سکونتگاهها خدمات حوزه‌ای قابل توجهی را نیز در اختیار سایر نواحی کوهستانی قرار می‌دهند.

بنابراین در بعد مکانی - فضایی علاوه بر سطح بندی خدمات، برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار بایستی اقدامات دیگری نیز در کالبد سکونتگاههای روستایی به ویژه در سکونتگاههای کوهستانی صورت پذیرد، که از آن جمله تجهیز و پایدارسازی فضاهای مسکونی است، زیرا با توجه به شرایط کوهستانی و وجود خطرات ناشی از زلزله، زمین لغزش و سیل، بایستی در مقاوم سازی مساکن و احیاء بافت فیزیکی، اقدامات شایسته‌ای صورت پذیرد.



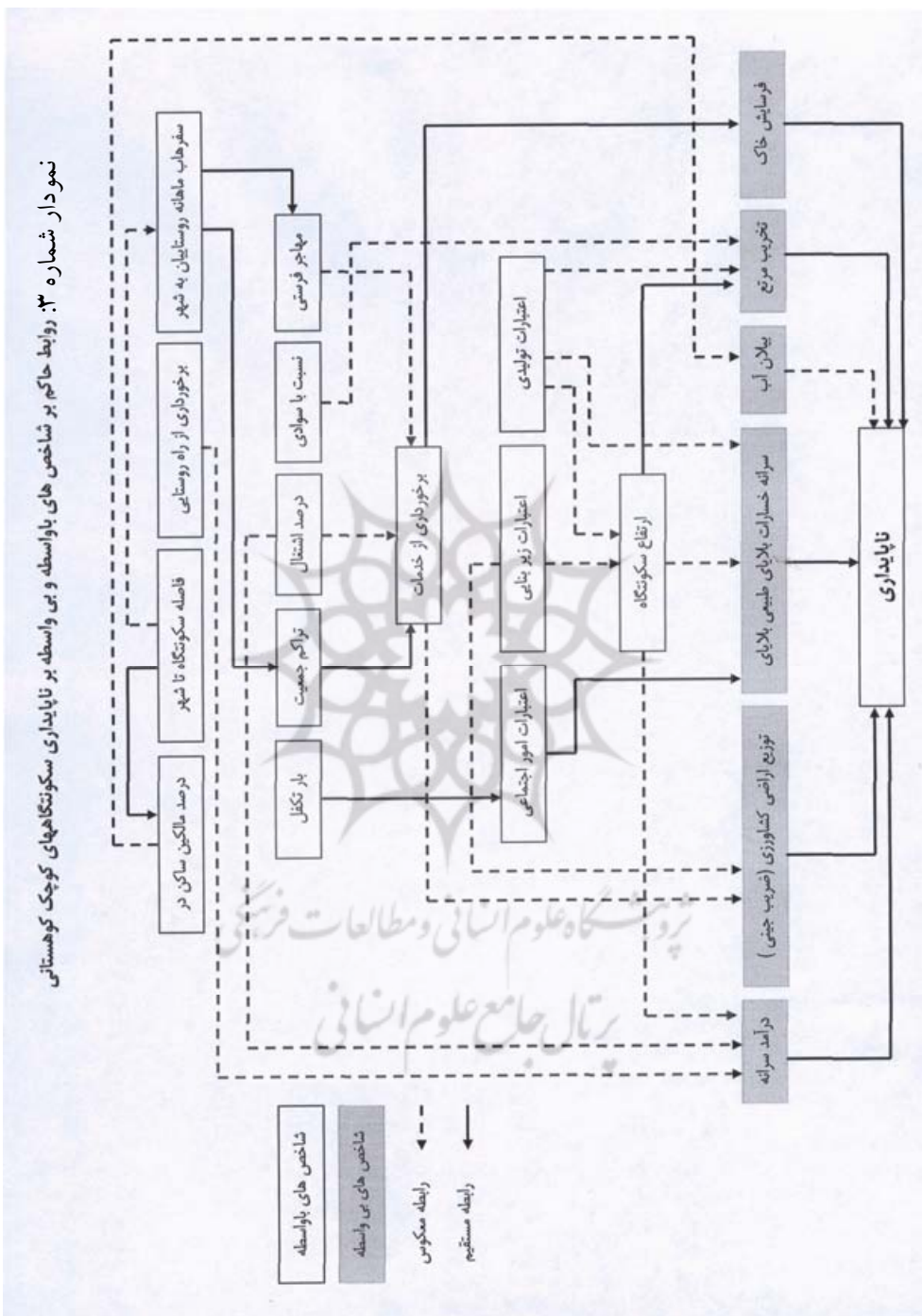
نمودار شماره ۱: منحنی لورنس سکونتگاه‌های خیلی کوچک ۴۹ تا ۲۰ خانوار (سال ۱۳۶۰)



نمودار شماره ۲: منحنی لورنس سکونتگاههای خیلی کوچک ۴۹ تا ۲۰ خانوار (سال ۱۳۸۲)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



یادداشت‌ها

۱. دولت جمهوری اسلامی ایران نیز در این اجلاس شرکت داشت و به‌عنوان یکی از امضا کنندگان این منشور بوده و نسبت به اجرای مفاد این منشور متعهد می‌باشد.



منابع و مآخذ

۱. امینی. سیاوش، ناپایداری توسعه پایدار، مجله مدیر ساز، شماره ۲، ۱۳۷۸.
۲. بارو. سی. جی، توسعه پایدار: مفهوم - ارزش و عمل، ترجمه سید علی بدری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۴، ۱۳۷۵.
۳. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سطح بندی روستاهای کشور، جلد چهارم، استان آذربایجان، ۱۳۷۷.
۴. بوسل. هارتموت، توسعه پایدار - مفاهیم و محدودیتها، ترجمه حسن دارابی، نشریه مسکن و انقلاب، شماره ۸۹، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹.
۵. پیرس. دیوید - جی. وارفورد، جرمی، دنیای بیکران (اقتصاد، محیط زیست و توسعه پایدار)، ترجمه عوض کوچکی، سیاوش دهقانیان و علی کلاهی اهری، انتشارات دانشگاه فردوسی، مشهد، ۱۳۷۷.
۶. دو ژورنه. ژاکوب، جمعیت و توسعه پایدار، ترجمه فرهاد ماهر، در: مجموعه مقالات توسعه پایدار کشاورزی، شماره ۵. وزارت کشاورزی، تهران، ۱۳۷۸.
۷. رهنمایی. محمد تقی، توانهای محیطی ایران (زمینه های جغرافیایی طرح جامع سرزمین)، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران، ۱۳۷۰.
۸. سازمان برنامه و بودجه استان خراسان، دیدگاههای کلان طرح آمایش سرزمین خراسان، دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای، ۱۳۶۴.
۹. سعادت. حسین - طالشی، مصطفی، خسارات ناشی از فرسایش، دفتر طرح ریزی و هماهنگی معاونت آبخیز داری، وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۷۸.
۱۰. سعیدی. عباس، سطح بندی روستاهای کشور، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، ۴ جلد، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۲-۷۷.
۱۱. سعیدی. عباس، جایگاه روستاهای کوچک در برنامه ریزی توسعه سرزمین، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۴۳، ۱۳۷۵.
۱۲. سعیدی. عباس، توسعه پایدار و ناپایداری توسعه روستایی، در: مجله مسکن و انقلاب، شماره ۲، ۱۳۷۷.
۱۳. سعیدی. عباس، توسعه شهری و توسعه روستایی، تدوین ایرج اسدی، نشریه شهرداری‌ها، شماره ۵۸، تهران، ۱۳۷۸.
۱۴. سعیدی. عباس، تکرش نظاموار جغرافیایی و توسعه پایدار روستایی، در: مجموعه مقالات همایش بین المللی رویکرد فرهنگی به جغرافیا (جغرافیا، بستری برای گفتگوی تمدنها)، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۱.
۱۵. سعیدی. عباس، مبانی جغرافیای روستایی، چاپ پنجم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۳.
۱۶. فرید. یدا، آمایش سرزمین، مجله فضای جغرافیایی، شماره اول - شماره ۲، دانشگاه آزاد اسلامی اهر، ۱۳۸۰.

۱۸. مومنی، مصطفی، خصلت میان دانشی آمایش سرزمین و جایگاه آن در جغرافیا، قسمت اول، مجله آموزش جغرافیا، سال هفدهم، شماره ۶۲، ۱۳۸۱.
۱۹. مرکز آمار ایران، سرشماری کشاورزی کشور، استان خراسان، شهرستان بجنورد، ۱۳۷۲.
۲۰. مرکز آمار ایران، سرشماریهای آمار و مسکن استان خراسان، شهرستان بجنورد، تهران، ۷۵-۱۳۴۵.
۲۱. وزارت برنامه و بودجه، مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین ایران، معاونت امور مناطق، دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای، ۱۳۶۴.
۲۲. Barow,C.G.,(۱۹۵۵), *Sustainable Development:Concept,Value and Practice*, Journal of Enviroment, vol. ۱۴۱.
۲۳. Hamilton, L.S. ۱۹۹۵. *The productive role of mountain forests. In: Mountains at Risk* (N.J.R. Allan, ed.) Manohar, New Delhi, pp. ۴۹-۶۹.
۲۴. Hanley , N,(۱۹۹۷) *Macroeconomic Measures of sustainability: A Survey And A Synthesis*. Discussion papers in Ecological Economics ۹۷/۳, Department of Economices , university of stirling, stirling. UK.
۲۵. Harris.M.J(۲۰۰۰)*Basic principles of sustainable development*. Tufts.univer.U.S.A.
۲۶. Hicks (۱۹۴۶) *sustainable Development* , university London press.
۲۷. Jackson,T.and Marks, N(۱۹۹۴) *Measuring Sustainable Economic Welfare: A pilot Index*. Stockholm environment Institute /New economics fondation , Stockholm.
۲۸. Jansky Libor (۲۰۰۲) *Global mountain research for sustainable development* , UN university.
۲۹. UNDP(۲۰۰۲) *Report Word Summn Development* ,Johansburg.